

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته فرانسوا دویوآ و آکس لانسیه
برگردان از: حمید محوی
۱۰ جنوری ۲۰۱۸

ماجرای لافارژ پیوندهای میان داعش و رهبران برگزیده فرانسه را بر ملا کرد



برونو لافون

کاوش های انجام گرفته درباره ماجرای تأمین امور مالی داعش (گروه دولت اسلامی) از سوی لافارژ هولسیم بیشتر و بیش از پیش چهره کلاهبردارانه و دروغین ادعای مبارزه ضد تروریستی فرانسه و هم پیمانانش را در ناتو بر ملا کرده است. این کاوشها نشان می دهد که در درازنای ۵ سال، شرکت وابسته کک ۴۰ (سنجه یاب ارزش در بازار بورس فرانسه) سازمان ترس آفرین و مسؤول عملیات جنایتکارانه و ترس افکنانه در سر تا سر اروپا و به ویژه در فرانسه را آگاهانه تأمین مالی کرده است.

این رویداد یکر است موضوع نقشی را که دولت و گروه دولت سوسیالیستی فرانسوا هولاند بازی کرده مطرح می کند. گروه سوسیالیست در پاسخ به حمله های مرگبار ترس افکنان در جنوری و نومبر ۲۰۱۵ در فرانسه وضعیت «اضطراری» اعلام کرد، و افزون بر این جبهه ملی به رهبری مارین لوپن را به کاخ الیزه فراخواند. سپس، وضعیت «اضطراری» بهانه ای شد برای سرکوب سخت راه پیمائی علیه قانون کاری که گروه سوسیالیستی پیشنهاد کرده بود، به این معنا که گوئی مبارزه برای دفاع از حقوق کارگران مانع کار ضروری پولیس در مبارزه علیه ترس افکنان، و همبستگی فرانسه پیرامون طرح امنیتی و مبارزه علیه اسلام گرایان خواهد شد.

بنابراین، بر پایه گزارش های به دست آمده از آزمون پرونده ۶ مقام بلند پایه کارخانه سیمان سازی (لافارژ هولسیم) در کوران دو هفته گذشته و به همچنین کارفرمای پیشین لافارژ هولسیم، برونو لافون و رئیس کل گروه، اریک اولسن،

لافارژ شبه ارتشیان ترس افکن در سوریه را، در همان دورانی که عملیات جنایتکارانه آنان به ایجاد وضعیت «اضطراری» انجامید، تأمین مالی کرده است.

روزنامه «لوموند» آزمون پرونده کارفرمایان لافارژ را «فرود آدرخش» نامید و نوشت: «نخستین بار است که یک کارفرمای کک ۴۰ برای بزهکاری در زمینه ترس افکنی متهم می شود.»

افزون بر این، لافارژ به دروغ متوسل شده و با مدارک ساختگی در پی توجیه مناسبات مالی با گروه ترس افکنان بوده است. بر پایه گمانه زنی سرویس دادوری ملی گمرک که بازجویی و بررسی پرونده مقامات لافارژ را به عهده داشته، مدیریت فرانسوی گروه لافارژ «با مدارک حسابداری تقلبی پول فرستاده است».

گزارش های لافارژ دفاعیات پیشین خود را بی اعتبار می کند، به این معنا که گروه لافارژ مبالغی به شبه ارتشیان ترس افکن پرداخته زیرا در برابر باج خواهی داعش باید واپس نشینی می کرده و این را به مانند انگیزه اصلی جلوگیری از ویران شدن کارخانه سیمان در نزدیکی رقه در شمال سوریه معرفی می کند.

گزارشی از شرکت حسابداری لندن، پرایس واتر هاوس (Pricewaterhouse (PWC که برای لافارژ کار می کرده است، به روشنی نشان می دهد که این گروه ۱۳ میلیون دالر بین سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ به شماری از شبه ارتشیان اسلامگرای گوناگون در سوریه پرداخت کرده است. بر پایه همین پرونده، حتا خیلی پس از بسته شدن کارخانه در سپتامبر ۲۰۱۴، پرداختها تا سال ۲۰۱۵ ادامه داشته است.

به گفته نمایندگان «شرپا» (Sherpa) (شرپا انجمنی ست که برای حفاظت و دفاع از ملت‌هایی که قربانی جنایات اقتصادی شده اند و در سال ۲۰۰۱ بنیانگذاری شد) انجمنی که در جایگاه جامعه مدنی به انگیزه جلوگیری از «به خطر انداختن زندگی دیگران» در سال ۲۰۱۶ دادخواهی کرده و بر این پایه بود که کاوش در ماجرای «تأمین مالی گروه ترس افکنان» آغاز شد. گروه کاوش از سوی سه دادگر از سوی بخش ضد ترس افکن و امور مالی پاریس تشکیل شده بود. و درمی یابیم که بخش بزرگی از این پول، ناراست و یکراست به جیب داعش واریز شده بوده است.

یک گزارش دیگر از سوی دفتر کارشناسی امریکائی بیکر مکنزی که از خیل گماشتگان لافارژ نیز هست، نوشته است که شاخه لافارژ در سوریه به تنهایی از جولای ۲۰۱۲ تا سپتامبر ۲۰۱۴ نزدیک ۵،۶ میلیون دالر به شبه ارتشیان پرداخت کرده که بیش از ۵۰۰۰۰۰ دالر آن به داعش پرداخت شده است. و پسر وزیر دفاع پیشین سوریه فراس مصطفی طلاس نیز در این داد و ستدها نقش میانجی را به عهده داشته است.

بنابراین، می بینم در حالی که گروه سیاسی فرانسه در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برای بمباران داعش در سوریه در پی فرصت مناسبی می گشت، لافارژ شبه ارتشیان ترس افکن را در سوریه تأمین مالی می کرده است. دولت فرانسوا هولاند درست پس از حمله ترس افکنان به پاریس در ۱۳ نومبر ۲۰۱۵ فرمان نخستین بمباران سنگرهای داعش را صادر کرد. تا اینجا، فرانسه فقط سنگرهای داعش در عراق را بمباران می کرد و امکان بهره برداری از ویرانگریها و پلیدکاریهای داعش در سوریه را برای خود نگهداشته بود.

نگاره ای که از کاوش پرونده ها پدیدار می شود شرکتی نیست که خواسته باشد در جایگاه نماینده فرانسه در سوریه ماندگار شود یا خارج از نفت خاورمیانه، درآمدهای بزرگترین سرمایه گذاریهای فرانسه را افزایش دهد، و بر این پایه چنان که مقامات متهم ادعا می کنند با چنین انگیزه هائی بوده که به داعش باج پرداخته اند. ولی ماجرا به گونه دیگری ست و تأمین مالی سازمان خرابکار از پیش اراده شده بوده زیرا در آن دوران از دیدگاه گروه سوسیالیست فرانسه، ترس افکنان خرابکار جزء عناصر و نیروئی قانونی پنداشته می شدند که در پیوند با واشنگتن برای سرنگونی دولت بشار اسد می جنگیدند.

بیکاری سخت در درون محفل های رسمی فرانسه روی این ماجرا در جریان است و اینگونه که پیداست برخی محفل های مالی و حقوقی آنگلو ساکسون نیز آن را از نزدیک پی گیری می کنند.

این هفته، شریا از وزارت کشور درخواست کرد که برای خطای « جلوگیری از فعالیت دادگستری » دست به کاوش بزند و لافارژ را متهم کرد که در پی «خرید سکوت» بوده و بر این پایه ۶ نفر از مقام ها بازجوئی شدند.

انجمن شریا درخواست خود را دوباره تکرار کرد و افزود که کاوشها نباید به لافارژ محدود شود بلکه نقش مقامات فرانسوی در آن دوران نیز باید روشن گردد. سخن گوی شریا یادآور شد « مدارا و حتا تبانی » از سوی این مقامات. وکیل شریا ماری دوزه می پرسد : « چه کسی می تواند به ما بگوید که در آن بازه زمانی، بخشی از پولی که به حساب دولت اسلامی (داعش) واریز شده برای تدارک حمله ترس افکنانه که به کشتار ۱۰۰ ها جوان بی گناه در فرانسه انجامیده، خرج نشده است؟»

در واقع، ماجرای لافارژ نقش نه تنها فرانسه بلکه همه دولتهای نیرومند ناتو را بر ملا می کند. از سال ۲۰۱۱، این دولتهای نیرومند در تبانی با رژیم های سلطنتی خلیج فارس تأمین مالی شبه ارتشی های اسلامگرا در سوریه را در سطح میلیاردها دالر سازماندهی کرده اند. این جنگ سوریه را ویران کرد و صدها هزار نفر را به کام مرگ فرستاد و بیش از ۱۰ میلیون نفر از ساکنان این کشور را به گریز از خانه هایشان واداشت.

رسانه ها و کارگزاران سیاسی در کشورهای ناتو تا جائی که برایشان ممکن بوده کوشیده اند تا سرشت تبهکارانه این جنگ را پنهان کنند، به ویژه از این رو که هم پیمانان ناتو در سوریه، مانند جنگ سال ۲۰۱۱ در لیبیا، همین شبه ارتشیان ترس افکن از شاخه های وابسته به القاعده بوده اند.

داستان شورانگیز لافارژ به همچنین نقش واپس گرا و دروغین گروه های چپ خرده بورژوا مانند حزب آنتی کاپیتالیست نوین در فرانسه را افشاء می کند که در تبانی و از طرفداران امپریالیستها در این جنگ ها بوده اند، زیرا گروه های جهاد طلبی را که علیه بشار اسد می جنگیدند بی شرمانه برآمده از انقلاب مردمی معرفی می کردند. در حالی که کک ۴۰ گروه های گوناگون شبه ارتشی اسلامگرا در خاک سوریه را تأمین مالی می کردند، و در تبلیغاتشان مدعی می شدند که این عملیات به انگیزه انقلاب دموکراتیک مردم سوریه انجام گرفته است.

در این چشم انداز، باید پرسیم : چرا کارگزاران دولت سوسیالیست فرانسه شنیده نشده اند، و پیش از همه رئیس جمهور پیشین فرانسوا هولاند که در سال ۲۰۱۲ شبه ارتشیان مخالف بشار اسد را در جایگاه دولت سوریه به رسمیت شناخته بود ؟ درخواست شریا در ماه اکتوبر روی بازجوئی از سفیرهای فرانسه در سوریه و وزیر امور خارجه پیشین لوران فَبیوس پا فشاری می کند. با وجود این، رسانه ها و گروه سیاسی فرانسه روی نکته مرکزی این رویدادها سکوت می کنند.

کنش های لافارژ در سوریه ویژگی سیاسی قانون گریز در اعلام وضعیت اضطراری در فرانسه را برجسته می کند، یعنی قانون ضد ترس افکنی از سوی امانوئل ماکرون که چگونگی کارکردی آن در حقوق همگانی به رسمیت شناخته شده است. در حالی که امپریالیستها خرابکاران داعشی را تأمین مالی می کردند، از جنایات آنان در اروپا برای توجیه سرکوب کارگران مخالف و جوانان در رویارویی علیه حذف حقوق اجتماعی و دموکراتیک که در درازنای مبارزه چندین نسل به دست آورده بودند بهره برداری کردند. سر تا سر چنین سیاستی روشنگر مهر دروغین دولت فرانسه در پاسداری از منافع اشرافیت مالی ست.

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۹ جنوری ۲۰۱۸

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/laffaire-lafarge-devoile-les-liens-entre-daech-et-lelite-dirigeante-francaise/5621707>

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۱۸ دسمبر ۲۰۱۷